



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی - 11 مرداد/ 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ای بسیار مهم و نمایشگر یک نقطه حساس در حرکت تاریخ جمهوری اسلامی است. این مجلس و مراسمی که امروز انجام گرفت، حاکی از یک حقیقت زنده و درخشان در نظام جمهوری اسلامی است و آن حقیقت مردم سالاری دینی و حاکمیت احکام نورانی اسلام و حضور و انتخابگری آحاد ملت است. از خدای متعال مسألت می کنیم که به برکت نام و یاد حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها - که ایام شهادت آن بزرگوار نزدیک است - و به برکت مجاهدتها و ایثارگریهایی که در طول سالیان گذشته تا امروز برای اعلائی کلمه اسلام و برافراشتن این پرچم نثار شده است، این آغاز را، آغازی مبارک و منشأ برکات و آثار خیر قرار دهد؛ هم برای مردم عزیزمان که در انتخابات شرکت کردند و وظیفه خودشان را انجام دادند و هم برای رئیس جمهور محترم که اعتماد مردم را کسب کردند و دوره جدیدی از مسؤولیت را بر دوش گرفتند.

در منطق اسلام، اداره امور مردم و جامعه، با هدایت انوار قرآنی و احکام الهی است. در قوانین آسمانی و الهی قرآن، برای مردم شأن و ارج معین شده است؛ مردم هستند که انتخاب می کنند و سرنوشت اداره کشور را به دست می گیرند. این مردم سالاری، راقی ترین نوع مردم سالاری ای است که امروز دنیا شاهد آن است؛ زیرا مردم سالاری در چارچوب احکام و هدایت الهی است. انتخاب مردم است، اما انتخابی که با قوانین آسمانی و مبرائی از هرگونه نقص و عیب، توانسته است جهت و راه صحیحی را دنبال کند.

در همه آنچه که در دنیا به نام دموکراسی و مردم سالاری شناخته می شود، چارچوب وجود دارد. در دموکراسیهای غربی، چارچوب عبارت است از منافع و خواست صاحبان ثروت و سرمایه داران حاکم بر سرنوشت جامعه. تنها در آن چارچوب است که رأی مردم اعتبار پیدا می کند و نافذ می شود. اگر مردم چیزی را که بر خلاف منافع سرمایه داران و صاحبان قدرت مالی و اقتصادی - و برآثر آن، قدرت سیاسی - است بخواهند، هیچ تضمینی وجود ندارد که این نظامها و رژیمهای دموکراتیک، تسلیم خواست مردم شوند. یک چارچوب محکم و ناشکننده بر همه این خواستها و دموکراسیها حاکم است. در کشورهای سوسیالیستی سابق - که آنها هم خودشان را کشورهای دموکراتیک می نامیدند - این چارچوب، حزب حاکم بود. در خارج از چارچوب تمایلات و سیاستها و انگیزه های حزب حاکم، رأی مردم هیچ توانایی و کاربردی نداشت. به هر حال چارچوب وجود دارد.

امتیاز نظام اسلامی در این است که این چارچوب، احکام مقدس الهی و قوانین قرآنی و نور هدایت الهی است که بر دل و عمل و ذهن مردم پرتو افشانی و آنها را هدایت می کند. مسأله هدایت مردم یکی از مسائل بسیار مهمی است که در نظامهای سیاسی رایج دنیا - بخصوص در نظامهای غربی - نادیده گرفته شده است. معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوسهای فاسد کننده ای که گاهی به نام آراء و خواست مردم مطرح می گردد، از افق انتخاب مردم دور شود. امروز شما ملاحظه می کنید در بسیاری از دموکراسیهای غربی، زشت ترین انحرافات -

انحرافات جنسی و امثال آن - به عنوان این که خواست مردم است، صبغه قانونی پیدا می کند و رسمی می شود و به اشاعه آن کمک می گردد. این، غیبت عنصر معنوی و هدایت ایمانی را نشان می دهد. در نظام اسلامی - یعنی مردم سالاری دینی - مردم انتخاب می کنند، تصمیم می گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی



برد و از صراط مستقیم خارج نمی شود. نکته اصلی در مردم سالاری دینی این است. این هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این تجربه جدید و جوانی است؛ اما تجربه قابل تأمل و پیگیری و قابل تقلیدی است برای همه کسانی که دلشان برای فضیلتها و جامعه پاک و پاکیزه ی انسانی می تپد و از جرائم و رذائل اخلاقی و رواج زشتیهای خلقیات بشری رنج می برند.

ملت ایران در طول قرنهای متوالی، همواره در مقابل خود حاکمانی را مشاهده کرده بود که یا خود یا اجدادشان به ضرب شمشیر، حکومت را به دست آورده بودند و با اتکا به قبضه شمشیر و سرنیزه قدرت، آن را برای اعقابشان گذاشته بودند. حکومت و حق حاکمیت بر مردم، بدون خواست و میل و انتخاب مردم، مثل مال شخصی حاکمان به فرزندان و اعقابشان، تا نسلهای متعدد به ارث می رسید. در دوره های اخیر - یعنی از اواسط دوره قاجار و سرتاسر دوره پهلوی - عنصر زشت دیگری وارد عرصه حاکمیت کشور شد و آن عنصر دخالت بیگانه بود. انگلیسیها رضاخان پهلوی را با انتخاب و گزینش خودشان بر سرکار آوردند و پشتیبانی کردند؛ بعد پسر او را بر سرکار آوردند و بعد پس از کودتای 28 مرداد، نقش آفرین مسائل ایران و قدرت حکومت در کشور ما امریکاییها بودند و ملت در این میان هیچکاره بود. یک ملت در اساسی ترین مسائل زندگی، در امر تعلیم و تربیتش، در امر اقتصادش، در امر سیاستش، در ارتباطات جهانی اش و در نظم معمولی زندگی اش، هیچ گونه اختیاری نداشته باشد و کسانی بر سرنوشت او و بر این همه حکومت کنند که برای تصدی این مسؤولیت، هرگز از مردم اجازه نگرفته باشند. ما هرگز حضور مردم و رأی آنها را - جز در یک دوران کوتاه، آن هم به صورت بسیار ناقص - تجربه نکرده بودیم. این اسلام و انقلاب و مجاهدت و ایثار این ملت و عظمت و شخصیت کم نظیر امام بزرگوار بود که زمینه ساز لطف و رحمت الهی شد و این هدیه بزرگ به ملت ایران داده شد.

این مراسم، هشتمین مراسمی است که در آن رئیس جمهور منتخب مردم، به طور رسمی رئیس جمهور می شود و اختیار اداره کشور و زمام امور قوه مجریه را در دست می گیرد. این را انقلاب به ما داد. البته دستگاههای تبلیغاتی دنیا با تبلیغات بسیار ردیلانه سعی می کنند این گونه وانمود کنند که حضور مردم و مردم سالاری نظام اسلامی، از انتخابات سال هفتادوشش به این طرف است؛ یعنی می خواهند گذشته انقلاب را نفی کنند! این هم ادامه همان دشمنیهایی است که همیشه با این انقلاب داشته اند. نه؛ ما ملت ایران در این بیست و دو سال، هشت مرتبه پای صندوق انتخاب رئیس جمهور رفته ایم و با رأی خود، او را انتخاب کرده ایم و نشان داده ایم که در کشور ما به برکت نظام اسلامی، محور تصمیم گیری، مردمند و چارچوب تصمیم گیری - هم برای مردم و هم برای مسؤولان - احکام و شریعت اسلامی است. این، وظایف سنگینی را بر دوش همه ما می گذارد.

من از رئیس جمهوری عزیزمان تشکر می کنم که این مطالب را - که حاکی از احساس مسؤولیت است - در نطق خودشان بیان کردند. بله؛ مطلب همین است؛ رئیس جمهور و یکایک اعضای تصمیم گیر در این نظام، مسؤولند. اعتبار آنها عبارت از این است که به وظیفه خود در مقابل خدا، مردم و قانون اساسی عمل کنند. در نظام اسلامی، اعتبار همه مسؤولان به این است که خود را کمر بسته دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند. مردم این را می خواهند و انتخاب کرده اند. اگر کسی قدم را کج بگذارد و از این راه منحرف شود - چه رهبری باشد، چه رئیس جمهور باشد و چه دیگر مسؤولان - قبل از آن که ساز و کار اجرایی برای کنار گذاشتن آنها به کار بیفتد؛ چون فاقد شرط می شوند، خودشان منعزل و کناررفته اند. بنابراین مسؤولیت، سنگین است.

اگر ما بخواهیم سعادت این مردم را تأمین کنیم، باید در اجرای احکام الهی کوشا باشیم. سعادت دنیا و آخرت مردم در اجرای احکام الهی و اسلامی است. این آن چیزی است که می تواند کشور و ملت ما را به آرمانهای والا و برجسته خود برساند. این آن چیزی است که می تواند این کشور را در مقابل مطامع روزافزون قدرتهای بزرگ مصنوعی بخشد. این آن چیزی است که می تواند این ملت را با همان ایمان و شوری که در پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی و



در همه توفانها نشان داد، در صحنه نگه دارد. آن عاملي که مي تواند ملت ايران را - با فقدان بسياري از تجهيزات که قدرتهاي بزرگ از آن برخوردارند - اين طور محکم و باثبات نگه دارد، ايمان ديني است. بايد ايمان ديني را در مردم حفظ کرد تا اين مردم بتوانند مقاومت خود را حفظ کنند و بایستند و از مسؤولان پشتيباني کنند و در مقابل خطرها سينه سپر نمايند. ما مسؤولان، بدون حمايت مردم چيزي نيستيم و نمي توانيم کاري بکنيم. ارزش و اقتدار و توانايي ما در صحنه بين المللي و در مقابل توفانها، به پشتيباني مردم است و اين نظام بحمدالله امروز مردمی ترين نظام دنياست. نسبت و ارتباط بين مسؤولان و اين مردم، ارتباط ايمان، عاطفه و اعتماد است. اين ارتباط و اين گونه رابطه و پيوند، در دنيا نظير ندارد. اگر بخواهيم اين مردم از دولتها و مسؤولاني که مي آيند و مي روند و از نظامي که به وسيله اين مردم بر سرکار آمده است، حمايت کنند، بايد ايمان مردم را حفظ کنيم و جلو تهاجم به ايمان آنها را بگيريم.

من به رئيس جمهور عزيزمان دو، سه توصيه عرض مي کنم. البته اينها حرفهايي است که در خلوت و جلوت، بين بنده و ايشان و ديگر مسؤولان بارها گفته شده است؛ بنا بر اين اينها را براي تذکر به خودم و شما مسؤولاني که در اين جا حضور داريد، عرض مي کنم. یک مسأله اين است که در موقعيت حساس کنوني، کار مجموعه دستگاه دولت بايد بي وقفه شروع شود و بدون اندکي لنگي و سستي، با جدیت کامل ادامه پيدا کند. اين چند ماهي که معمولاً از هنگام انتخابات - يا حدود انتخابات - تا تشکيل دولت جديد، وقفه گونه اي در امور پيدا مي شود، بسيار خسارتبار است. حتي المقدور بايد اين زمان را کوتاه کرد. اميدواريم ان شاءالله مجلس شوراي اسلامي هم نهايت همکاري را با رئيس جمهور محترم بکند و هر چه زودتر کابينه دولت تشکيل شود و به کارهاي مهمي که برعهده آنهاست، بپردازند. ما در موقعيت حساسي هستيم. به اعتقاد من امروز فوري ترين کار اين است که به مسائل اقتصادي و مسأله معيشت و در رأس همه مسأله اشتغال، با جدیت پرداخته شود. هيچکدام از اينها معضلات و گره هاي کوري نيستند که دستهاي توانا و فکرهاي کارآمد، نتوانند آنها را حل کنند. همه اينها کارهاي ممکن و رواني هستند؛ منتها تلاش، جدیت، ابتکار و پشتکار لازم است تا اين کارها انجام گيرد. امروز اگر اندکي سستي و کوتاهي شود، دير خواهد شد. فرصت کوتاه است؛ فرصتهاي دولتها مثل برق مي گذرد. چهار سال به سرعت گذشت، اين چهار سال هم به سرعت خواهد گذشت. بنا بر اين بايد اولويت را در نيازها جستجو کرد و با آگاهي و شتاب لازم و تدبير مقتضي، آن نيازها را برآورده ساخت. امروز اين امر لازمي است. شما اگر به تبليغات جهاني - که بي گمان از مرکزيتهاي حساب شده سياسي و امنيتي هدايت مي شود - نگاه کنيد، مي بينيد يکي از نقاط اميد دشمنان ما براي فلج کردن نظام اسلامي، همين مسأله اقتصاد است. ما منابع ثروت و درآمد و نيروي کار فراوان و زمينه هاي متعددي براي شکوفايي اقتصادي داريم. ما مي توانيم بسياري از کارها را انجام دهيم. ما مي توانيم چهره زشت فقر را از کشور بزداييم. پس مسؤولان دولتي، پيش و پيش از هر کار به اين مسأله همت بگمارند. بخش اقتصادي دولت در واقع بزرگترين بخش از بدنه دولت است. چه مسؤولان ستادي اقتصادي و چه مسؤولان اجرايي بخشهاي گوناگون توليدي و خدماتي، همه بايد یک جهت و يکدل مشغول کار شوند. در اين قضيه هيچگونه درنگي جايز نيست. اعتقاد من اين است که با زمينه هاي فراواني که ما داريم، مسؤولان خواهند توانست در مدتي نه چندان طولاني، به همه آحاد ملت بقبولانند و نشان دهند که در وضع معيشتي و وضع عمومي اقتصادي، دگرگوني حاصل شده است. اين مژده را بدون اين که دائماً بر زبان جاري کنند، در عمل به مردم بدهند. اين عمل صالح بزرگي است که مسؤولان اجرايي کشور بايد به آن بپردازند. به وسوسه هاي دشمن اعتنايي نکنيد. شکی نيست که امروز دستگاههاي استکباري جهاني از طرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جاي دنيا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبليغ خلافي به صورت وسوسه در دلهاي کساني بيفکنند، حرفي ندارند و اين کار مي کنند. شما به واقعيتهاي کاري خودتان نگاه کنيد و با جدیت و تکیه بر بيناتي که قانون اساسي براي ما معين کرده است - که به احکام اسلامي و مقررات اسلامي متکي



است - در زمینه های پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه آن چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد.

مسأله دوم، توجه به فرهنگ عمومی کشور است. من به دوستان - از جمله به رئیس جمهور محترم - قبلاً این را عرض کرده ام. یکی از مسائلی که دشمن به طور جدی در کشور تبلیغ می کند، مسأله اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندیها و تقیّدات و تکیه گاههایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمم می کند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدی بگیرید. یکی از سیاستهای دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند. چند سالی است که این را در تبلیغاتشان شروع کرده اند. بنده از همان اوایلی که این تبلیغات در رفتارهای دشمنان کشور، اجرایی و عملیاتی شده بود - حدود ده، یازده سال پیش - متوجه این نکته شدم و به همه، بخصوص به مسؤولان فرهنگی هشدار دادم و گفتم اینها می خواهند اصل اعتبار انقلاب را زیر سؤال ببرند؛ انقلابی که یکی از افتخارات تاریخ بشری در زمان ماست؛ انقلابی که یک ملت با دست خالی و به برکت ایمان، آن هم در مقابل یک دژ علی الظاهر تسخیرناپذیر استکبار در این منطقه آن را بر پا کرد و موفق شد؛ انقلابی به نام خدا؛ انقلابی در راه ارزشهای اسلامی؛ انقلابی که ملت‌های مسلمان را به اسلامشان امیدوار و به هویت اسلامیشان دلگرم کرد؛ انقلابی که در همه نقاط جهان ملتها را خودباوری بخشید و آنها احساس کردند که یک ملت - وقتی که عزم و اراده ای از خود نشان دهد - می تواند بر بزرگترین موانع پیروز شود و فائق آید. دشمنان می خواستند پیام آزادی، معنویت، ارزش و فضیلت و کرامت انسانی ای را که در این انقلاب بود، ندیده بگیرند. این کاری بود که به صورت برنامه ریزی شده و با انواع و اقسام طرق تبلیغاتی، آن را دنبال کردند. البته - متأسفانه - یک عده غافل، به صورت پادو در داخل هم همانها را تبلیغ کردند و هنوز هم می کنند. این برای آن است که پشتوانه فکری - که در واقع تکیه گاه اراده و عزم راسخ مردم است - از آنها گرفته شود و مردم احساس کنند پشتشان خالی است. مگر بدون ایمان و اعتقاد و بدون باور به راهی که انسان در آن قدم گذاشته، می شود آن راه را ادامه داد؟ همه باید مسائل فرهنگی را جدی بگیرند. مظهر این تهاجم، همان اباحیگری است که از راه خدشه در اعتقادات، تشویق جریانهای خلاف اخلاق در جامعه و تشویق و ترویج انواع و اقسام فسادها ایجاد می شود. اینها چیزهایی است که همه مسؤولان کشور باید به آن بسیار توجه کنند و فقط مخصوص مسؤولان فرهنگی نیست.

فساد انواع و اقسامی دارد که فسادهای مالی و اقتصادی از جمله آنهاست. یکی از بزرگترین مسؤولیتهای مسؤولان کشور - از جمله رئیس جمهوری محترم - تعقیب مفاسد مالی و اقتصادی است که باید در برنامه دولت قرار گیرد. البته قوه قضاییه و قوه مقننه هم در این زمینه مسؤولند و خوشبختانه همکاریهایی هم می کنند. این مبارزه باید جدی شود و خود را در مرحله عمل نشان دهد. مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد. یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاههای فساد است که به شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. البته کار سختی هم هست. من در جریان آن نامه هشت ماده ای که نوشتم، هم به رئیس جمهور محترم، هم به رئیس محترم قوه قضاییه و هم به رئیس محترم مجلس گفتم که بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.

یک جریان فساد هم فسادهای اخلاقی و رواج منکرات است. با این هم باید مقابله و مبارزه کرد. ما خوب می دانیم، این جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه داشت. این به جای خود درست؛ اما با شیوع منکرات و با تظاهر به آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکب منکر را نصیحت و هدایت می کند؛ اما حد هم برای او می گذارد. با صرف زبان و توصیه نمی شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلو سیر



فحشا و فساد را بگیرد. اجازه ندهید که هوسهای یک عده معدود و یک گروه کوچک و اندک در داخل جامعه، موجب اغوای ذهن و فکر دختر و پسر جوان و مرد و زن مؤمنی شود که هیچ انگیزه فسادى ندارند. شما باید جلو آن گونه افراد را بگیرید. همه مسؤولان بخشهای مختلف کشور در این زمینه مسؤولند. اجازه ندهید عده ای با تکیه به نام آزادی - که واقعاً باید بر عنوان مظلوم آزادی گریست که چه سوء استفاده هایی از این نام می شود - منکرات و فحشا و بی بندوباری را در جامعه رایج کنند. عکس العمل آن این است که عده ای به نظام بدبین شوند؛ مثل اوّل مشروطه.

یکی از عواملی که موجب شکست مشروطیت در ایران شد، این بود که متدینین بعد از مدتی احساس کردند کآته کار به سمت بی دینی پیش می رود. جنجال زیاد مطبوعاتی که آن وقت همه انگیزه خودشان را این قرار داده بودند که به مقدّسات دینی حمله کنند - البته کسانی که در مشروطیت با اساس دین و مظاهر دینی و اعتقادات دینی و روحانیت و با این طور چیزها در مجامع به صورت قلمی و شعاری مقابله و اهانت می کردند، عده زیادی نبودند، اما جنجالشان زیاد بود - موجب شد که متدینین و علما که در صفوف اول مبارزه مشروطیت بودند، بتدریج دلسرد شدند و کنار نشستند. وقتی چنین شد، نهضت شکست می خورد؛ و مشروطیت شکست خورد. بعد از پانزده، شانزده سال از عمر مشروطیت، دیکتاتوری رضاخانی به وجود آمد. این بسیار عبرت انگیز است. رضاخان قلدر و چکمه پوش کجا، شعار مشروطیت کجا؛ چقدر اینها با هم فاصله دارند! چرا این طور شد؟ چون اطمینان و اعتماد مردم مؤمن سلب شد؛ کنار نشستند و از صحنه بیرون رفتند. مسؤولان نباید بگذارند چنین حالتی در مؤمنین به وجود آید. البته این هیچ مجوّز آن نیست که کسانی به بهانه این که اطمینانشان سلب شده، قانون شکنی کنند. قانون شکنی جرم است. تخلف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می آید - بدون اجازه حکومت - خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی شود؛ اما آن جایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوّز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه قضاییه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت.

یک توصیه هم به بقیه مسؤولان و فعالان سیاسی عرض کنم؛ مخصوصاً به کسانی که تریبونهایی در اختیارشان هست - هر تریبونی؛ از منبرها و روزنامه ها و صدا و سیما و مجلس و نماز جمعه و امثال اینها بگیرید تا هر تریبونی در هر گوشه کشور - مراقب باشید که تهیج سیاسی برای کشور مضرّ است. فضا باید آرام و متعادل باشد تا دولت و مسؤولان بتوانند به وظایف خود عمل کنند. در شرایط تهیج و متشتج سیاسی، آسانترین کارهای جاری هم دشوار خواهد شد. هیچ کس به تهیج سیاسی کمک نکند. یکی از بدترین عیوب برای فعالان سیاسی این است که درصدد انشقاق و جدایی و بهانه گیری از یکدیگر باشند. وحدت کلمه را حفظ کنید. یکی از بدترین کارها این است که مسؤولان موظف نظام، به وسیله اشخاص دیگر - صرفاً به خاطر این که تریبونی در اختیارشان قرار گرفته - مورد تخریب واقع شوند. انتقاد کردن غیر از تخریب کردن است. انتقاد، خوب و نعمت است. اگر دولت یا مسؤولان دیگر، مورد انتقاد قرار نگیرند، عیوب خودشان را نمی فهمند. انتقاد در واقع هدیه کردن عیوب آنها به خود آنهاست. ممکن است گاهی انتقاد درست باشد، ممکن هم هست نادرست باشد؛ اما انتقاد کردن غیر از تخریب کردن است. نه قوه مجریه و دولت را تخریب کنید؛ نه قوه قضاییه را تخریب کنید؛ نه قوه مقننه را تخریب کنید؛ بخصوص کسانی که خودشان جزو این مجموعه هستند؛ تخریب آنها یک عیب مضاعف است. باید یکپارچه باشید؛ کمابین که هدف و خاستگاه فکری شما یکی است. این معنی ندارد که اگر کمبود و ضعفی در کار دولت و در بخشی ایجاد شد، کلیت دولت مورد اهانت قرار گیرد و یا اگر کسی به یک حکم قضایی اعتمادی ندارد، قوه قضاییه را تخریب کند. بدترین



رفتار با قوه قضائیه یک کشور همین است که کسی به خاطر نپسندیدن صدور و اجرای حکمی از صدها و هزاران حکم، بنا کند کل قوه قضائیه و دادگستری کشور را زیر سؤال بردن و مورد اهانت قرار دادن. یکی هم یک حکم دیگر را قبول ندارد، دیگری هم حکم سومی را قبول ندارد؛ این که مجوز اهانت نمی شود. اهانت کردن و تخریب کردن و زیر سؤال ناشایست بردن قوه مقننه - چه مجلس و چه شورای نگهبان که جزو قوه مقننه است - برخلاف مصالح ملت و ناسپاسی نسبت به رأی ملت است. همه باید مراقب باشند.

امروز وظیفه بزرگی بر دوش مسؤولان است و آن این است که این نعمت عظیم خداوندی را که به آنها داده شده - نعمت خدمت به مردم - شکرگزاری کنند و متوجه باشند که دشمن پشت سر است. آینده هم آینده خوبی است؛ حرم در پیش است و حرامی در پس! اگر حرکت کنید، به اهداف والا خواهید رسید؛ اما اگر خدای نکرده سستی و تنبلی و کندی و بدعملی کنیم، مورد تهاجم دشمن قرار خواهیم گرفت؛ حد وسط ندارد. امروز تلاش همه جانبه، وظیفه مضاعف و بزرگی است که بر دوش همه ماست.

امیدواریم خداوند متعال، الطاف خودش را مثل همیشه شامل حال این ملت بزرگ کند؛ روح مطهر امام بزرگوار را - که بانی و مهندس این بنای شامخ است - با اولیایش محشور فرماید؛ شهدای عظیم الشان و عظیم القدر ما و همه ایثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده هایشان را - که بزرگترین حق را به گردن ملت ایران و بخصوص به گردن مسؤولان دارند - با پیغمبر و آل او محشور کند و ان شاء الله این روز و این مرحله جدید از مسؤولیت اجرایی کشور را برای ملت ما و کسانی که مسؤولیتی برعهده گرفته اند، مبارک قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته